

داستان رستم زال طبق روایت ارمنی

شاهنامه حماسه ملی ایران که بتنظیم فردوسی به ما رسیده است اهمیت خاص و همه جانبه دارد. متن اساسی شاهنامه مبارزه نیروهای خیر و شر مبارزه ملت ایران بر ضد نیروهای طبیعت و استیلاگران بیگانه است که قرون متمادی بطول انجامیده. در پایه و اساس شاهنامه مضامین فکلیوری قرار دارد که ریشه‌های آن تا اعماق قرون و اعصار نفوذ نموده است. این مضامین نه تنها بر ادبیات ملل ایرانی بلکه بر ادبیات ملل همجوار و همسایه نیز تأثیر عمیقی کرده اند.

منابع اولیه حاکی است که در ارمنستان شاهنامه از همان موقنی مورد توجه واقع شده که فردوسی آنرا با تمام رسانده است. در ده ساله، گریگور ماگیستروس شاعر نامی ارمنی (قرن ۱۱ بعد از میلاد) آثار چندی از روایات، اساطیری شاهنامه بیادگار مانده است. از جمله این آثار خوان سوم حماسه هفت خوان رستم را می‌توان نام برد که در آن رفتن رستم بسوی مازندران و نبرد با اژدها مطرح شده است. در قرن دوازدهم میلادی توجه و علاقه ملت ارمنی نسبت بشاهنامه افزایش مییابد. این درست هنگامی بود که ملل مغلوب زیر بار ظلم و تعدی سیاسی و اقتصادی ترکان و سلجوقیان افتاده برای آزادی و استقلال خود تلاش میکردند و گاهی اوقات علیه آنها برمی‌خاستند. قهرمانان اساطیری باستانی ایران در این نبردهای آزادبخوانانه ملل مغلوب نقش مهمی بازی میکردند. درباره این قهرمانان افسانه‌ها و روایات بی شماری ساخته بودند که مردم را در جنگ‌هایی که برای دفاع از حقوق خود بدان مبادرت کرده بودند ترغیب و تشویق میکردند.

رستم یکی از قهرمانان اساطیری ملی است که در شخص او نبرد ملت ایران علیه طوایف ترک مجسم شده است.

روایات و نقل‌هایی که درباره رستم ساخته شده بود نه تنها روحیات و احساسات

روانی و معنوی ملت ایران بلکه ملت ارمنی را نیز تجسم میکرد. ملتی که مسیحییت پس
عظیم نصیبش شده بود. بدین ترتیب در ارمنستان داستان ملی رستم زال به وجود آمده
که بر روایات مختلفی به ما رسیده است.

رستم زال داستان ملی ارمنی بدون شك متن مختصر منظومه شاهنامه نیست.
در این داستان قهرمانان اجتماعی و سیاسی جنگ ایران و توران از خاگار ارمنستان
بر خاسته اند و حسب و نسبشان بر زمین می رسد که قهرمانان حماسه ملی ارمنستان
ساسونسی داوید در آنجا فعالیت می کرده اند. بدین ترتیب در یکی از داستانهای
ارمنی چنین نوشته شده: «از قدیم الایام در شهر ساسون زال پادشاهی میکرد. وی
بر ادبی داشت بنام داوید».

بروایت دیگر در همین داستان رستم اهل ساسون است و عموی داوید دزنوف
او هان علیه او نبرد کرده است.

مطالب فوق الذکر حاکی از آنست که ملت ارمنی در زمانهای سخت و فلات
بار تاریخی، هنگامیکه طوایف ترک و سلجوقی مانند ملخ بارمنستان هجوم آورده
بودند، سر قوشت خود را پاسر نوشت ملت ایران پیوند میداد. بدین جهت ملت ارمنی
مضامین داستانهای ایرانی را با متنهای حماسی ارمنی پیوند داده، قهرمانان
حماسی ایرانی را بطرز محکمی با قهرمانان حماسه ملی ارمنی بهم پیوسته است. قابل ذکر
است که گویندگان ارمنی داستان رستم زال نه فقط قهرمانان شاهنامه را بارمنستان
نسبت داده اند بلکه تمام داستان را با نقلهای حماسی و عادات و رسوم ملی خود توصیف
و تکمیل کرده اند.

در نتیجه داستانی بدست آمده که با وجود آنکه در پایه و اساس آن
داستان پهلوان نامی ایرانی قرار گرفته مهذا من آن بکلی عوض شده بصورت
تازه در آمده و مبدل به حماسه ملی جدیدی شده است. بدین ترتیب یکی از گویندگان
ارمنی داستان رستم زال پساتور بوغوسیان داستان انتخاب اسب رستم را عیناً
همانظوری بیان میکند که گوینده حماسه ملی ارمنی مراد عوسپیان شرح
داده است.

وی خاطر نشان میسازد که داوید بنا بر نصیحت پیرزنی از عمویش اسب
پدر خود را پس بگیرد. قابل توجه است که در هر دو داستان بالاخره اسبی مورد پسند
قهرمانان واقع میشود که از دریا پدیدار شده. داوید کور کیک جلالی، اسبی را بدست
میاورد که جد وی سانسار از دریا بیرون آورده است و رستم کور کیک
رخش، را انتخاب میکند که همچنان از اعماق دریا بیرون آمده است.
در متنهای مختلف ارمنی داستان رستم زال صفت «دریائی» و «آبی» نه
تنها به رخس بلکه به صاحب او رستم و پهلوان برزو و دیگران نیز نسبت داده میشود.
هم در حماسه ملی «ساسونسی داوید» و هم در داستان رستم زال آب در سر نوشت

قهرمانان نقش مهمی را بازی میکنند. در متنهای مختلف داستان با پیرزن نصیحت کننده ای بر میخوریم. رستم بنا بر نصیحت وی در حوض آبتنی کرده در نتیجه نیروی بسیاری بدست آورده بچنگ دشمنان میشتابد.

در روایات ارمنی درباره رستم قهرمان ملی ایران مطالب جالب توجهی راجع به چگونگی آماده شدن او بچنگ بیان شده است. قابل توجه است که رستم همچنان مثل داوید ساسوتسی خود را برای جنگ دشمنان حاضر میکند.

هم در حماسه ملی «ساسوتسی داوید» و هم در داستان رستم زال بطرز یکسانی با باجگیران بیگانه رفتار شده است. در حماسه ملی ساسوتسی داوید باجگیران عرب را سختی کوشالی میدهد و اما رستم دندانهای باجگیران را نرگ را کنده آنها را مانند میخ و پیس نشان میگوید.

تطبیق متنهای موجود گواهی میدهد که «شیطنتهای دوران طفولیت سهراب و شکایت شهرها»، «شکار رفتن سهراب و لعنت پیرزن صاحب مزرعه»، «دانستن سهراب از مادر که رستم پدر اوست» و دیگر قطعات داستان از حماسه ملی ارمنی بوجود آمده است.

گویند گان رستم زال داستان ملی ارمنی همچنین درباره برزو فرزند سهراب بیاناتی کرده اند. برزو در داستان ملی ارمنی همان نقشی را بازی میکند که مهر اصغر در حماسه ملی «ساسوتسی داوید» ایفا کرده است. فرق آنها فقط در اسمیشان میباشد، آنهم نه در همه متنها. در بعضی از کتارها داستان سرایان ارمنی برزورا مهر فامیده اند یا گفته اند «وی از نوه های ساسون است».

بیشک برزو و همچنین مهر اصغر مولود شرایط جدیدی هستند. نقلهایی که درباره آنها بیان شده زمانی بوجود آمده که داوید رستم از صحنه بر کنار شده اند و بر ملل ایران و ارمنی ملکان مصری، افراسیابها و سلمان سندیهای تازه حملهور شده بودند.

از قطعات جالب توجه داستان رستم زال داستان عشق بیژن و منیژه است که یکی از بهترین قسمت های شاهنامه میباشد. اما در روایت ارمنی چنین آمده است:

زال زو پدر رستم سواراسب شده بگردش در میآید. در نقطه دور دستی با سلمان سندی دهند مصادف شده شروع بچنگ میکند. سلمان سندی بر زال زر غلبه پیدا میکند. ولی همینکه میدانند وی پدر رستم است زال را آزاد میکنند بشرطی که فرزندش رستم را بچنگ او بفرستد. همینکه جریان حادثه بگوش رستم برسد وی جامه های خود را تغییر داده با بیژن خواهرزاده خود رهسپار دهند میشود. در راه چوپانی آنها را ملاقات کرده تعریف و تمجید بسیاری از منیژه میکند و آنها را تشویق می نماید که دختر را از اسارت نجات دهند. رستم و بیژن خواهش چوپان را بیجا

میاورند و منیژه را که در دژ اژدها اسیر بود نجات میدهند. و پس از نبرد شدیدی
سلمان سندی را شکست داده منیژه را باغنایم بسیار با ایران میآورند.
حتی این شرح مختصر داستان عشق بیژن و منیژه بخوبی گواهی میدهد
که نقلهای ملی ارمنی پادستان بیژن و منیژه شاهنامه تفاربت زیادی دارد.
پیشک این داستان همچنین از فولکلور ارمنی بوجود آمده و فقط اسامی آنها
محفوظ شده است.

در داستان رستم زال یکی از قطعات جالب همانا داستان سیاوش و ماجرای
عشق و مرگ او و رهایی فرزندش کب خسرو از اسارت و پادشاهی
وی میباشد.

بدین ترتیب مطالب فوق الذکر خاطر نشان میسازد که نثرهای مربوط به رستم
با وجود اینکه پایه و اساس آنها تماماً ایرانی است در مرور زمان مورد توجه خاص
ارامنه واقع شده و در ارمنستان در محیط جدیدی مطابق روحیه حماسه ملی ارمنی
داساوتسی داوید، شکل تازه ای بخود گرفته و بصورت اثری جداگانه در آمده است.

دنباله مقاله «سرکشی پراکوفیتف»

دادند شهرت موسیقی بالت پراکوفیتف را به همه اکناف جهان رساند.
اوپرهای پراکوفیتف هم در سالهای اخیر در اتحاد شوروی و ممالک خارجه
پیروزمندان سیر کرده اند. در بسیاری از تئاترهای جمهوری دموکراتیک آلمان،
چکوسلوواکی، یوگوسلاوی، ایتالیا اوپرای «گیس سفید» با موفقیت بمرض
نمایش در آمده اجراء میشود.

اوپرای «جنک و صلح» که تلویزیون نیویورک فیلمبرداری کرده و موزیک
آنرا روی صفحه های گراموفون ثبت نموده است در بسیاری از شهرهای آمریکا
و اروپا عرضه شده و انتشار یافته است.

اوپرای «جنک و صلح» چند بار در بلغارستان و ایتالیا نمایش داده شده است.
در غرب، هم ردیف با «سپر تال» اوپرای های «تمار بازن» و «نرشت آتسین» هم دارد
زندگی و پر تامله تئاتری شده است.

بدین ترتیب، باستثناء اوپرای بدوی پراکوفیتف بنام «ماگدالئنا»، تمام
اوپرهای دیگر او در روی صحنه های جهان بمرض نمایش در میآید.

موسیقی پراکوفیتف هنر باروحی است که معاصران را تهییج و منقلب
مینماید.